



گفتگو



نقش مؤسسہ امام خمینے (دہ)

درپیداری اسلامے

دروصاحبہ باحجت الاسلام والمسلمین، دکتور علی مصباح

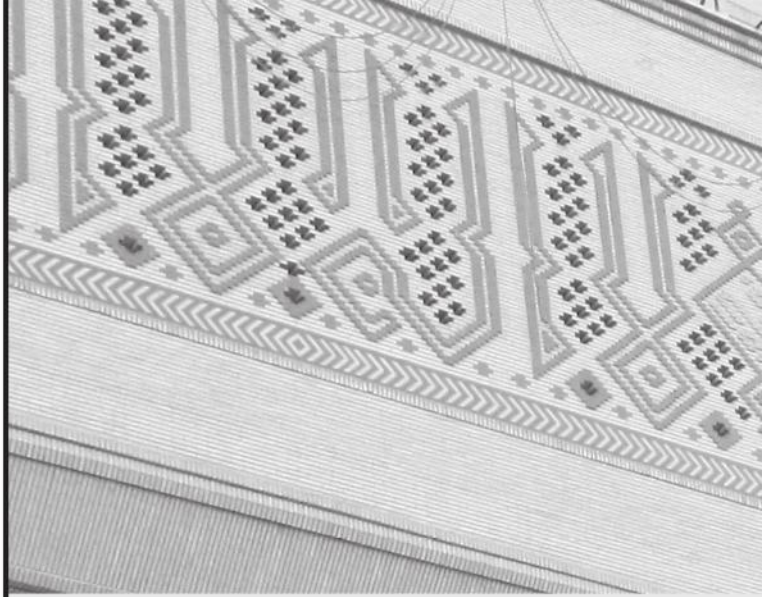
تہیہ و تنظیم: حسن ابراہیم زادہ - محمد ملک زادہ

در فرهنگ عمومی مردم که تقریباً می‌شود گفت چیزی در حد صفر و بی‌اطلاعی محض از شیعه و ایران وجود دارد، استاد ما که استاد فلسفه دین بود و شاید چهل پنجاه سال در دانشگاه‌ها با افراد مختلف از مذاهب و فرهنگ‌های مختلف سروکار داشت، از من می‌پرسید که ایران همان لیبی نیست؟! }

فرهنگ‌پویا سخن در خصوص نقش و جایگاه مؤسسه حضرت امام (ره) در بیداری اسلامی، گذشته، حال و آینده است. مؤسسه حضرت امام (ره) در تبادل افکار با اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان در خارج از کشور دارای نقش محوری بوده است. اگر ممکن است در این رابطه توضیحاتی ارائه فرمایید.

دکتر علی مصباح: مؤسسه بر اساس این فکر تأسیس شده بود که برای اجرایی شدن اسلام در سطح جامعه - که یکی از لوازم آن هم داشتن حکومت اسلامی است - می‌بایست در زمینه‌های فکری و فرهنگی، تحقیقاتی فراهم می‌شد و نیروهای انسانی باید تربیت می‌شدند که هم با جوهره اسلام آشنا شوند و هم با نیازهای روز بیگانه نباشند. اولین ثمره‌ای که می‌توانست این پروژه داشته باشد، این بود که در ایران اسلامی که به همت مرحوم حضرت امام (ره) و تلاش‌ها و مجاهدت‌های بزرگان و مخلصین و فداکاری‌های شهدا و عزیزان به وجود آمده بود، بتواند برای به ثمر رسیدن اهداف انقلاب در ایران مؤثر باشد، اما می‌دانیم اسلام محدوده جغرافیایی ندارد و اگر زمینه‌ای فراهم باشد، اسلام این ظرفیت را دارد که زندگی و حیات بشر را هدایت بکند؛ بنابراین اگر از این زاویه نگاه کنیم، هدف مؤسسه، هدف اسلام است که جغرافیا نمی‌شناسد؛ چون ما معتقدیم که اکثریت انسان‌ها فطرتی پاک دارند.

اگر مردمی نسبت به اسلام دید خوبی پیدا نمی‌کنند، به دلیل غبارهایی است که روی این فطرت را می‌گیرد که ممکن است بخشی از آن متوجه خود ما باشد که با عملکرد بد یا ضعیف و مسئولیت‌ناشناسی مان باعث می‌شویم که خیلی از حقایق اسلام پنهان بماند و به مردم نرسد. بخشی از این غبارها هم ناشی از



ما در معرفی اسلام کم تلاش کرده‌ایم. البته بخشی از اینها هم ناشی از سیاست‌های دولت مردان و سیاستمداران غربی است که نمی‌خواهند این گونه کارها انجام بشود و تلاش‌ها را با موانع مواجه می‌کنند.

اگر زمینه‌هایی فراهم شود که فشارهای سیاسی و تبلیغاتی دشمنان برداشته بشود، معرفی چهره ناب و جامع اسلام سهم بسزایی در اقبال مردم حقیقت‌جو به اسلام خواهد داشت.

دشمنی‌های دشمنان است که سعی می‌کنند اسلام را به گونه‌ای معرفی کنند که برای مردم قابل قبول نباشد و مشمئزکننده باشد. رفع این غبارها هم نیاز به تلاش ما دارد. اگر زمینه‌هایی فراهم شود که فشارهای سیاسی و تبلیغاتی دشمنان برداشته بشود، معرفی چهره ناب و جامع اسلام سهم بسزایی در اقبال مردم حقیقت‌جو به اسلام خواهد داشت؛ کما اینکه می‌بینیم که بعد از انقلاب اسلامی چه اقبال وسیعی به اسلام حتی در مرکز کشورهایی که در دشمنی علیه اسلام چیزی را کم نمی‌گذاشتند، به وجود آمد و همچنان ادامه دارد و این ناشی از تجلی بخشی از حقایق اسلام است. حوادثی که امروز شاهد آن هستیم و ابتدا در کشورهای اسلامی و بعد به تدریج به کشورهای غیر اسلامی هم سرایت کرده، پرده‌ای از این فرایند است که شرایط اقتصادی و سیاسی زمینه را برای برطرف شدن بخشی از این غبارها فراهم کرده است. طبیعتاً اگر افرادی یا مراکزی باشند که بتوانند در زمینه معرفی اسلام گام‌هایی را بردارند و بتوانند این آموزه‌های ناب را به این جوامع برسانند، خیلی مؤثر خواهد بود.

فراغت‌پویا اشاره‌ای داشتید به دو عامل درونی و بیرونی که باعث گسست تاریخی بین مسلمانان و غیر مسلمانان - آن هم در خصوص اسلام ناب - شده است. اگر خاطر‌های از دوران تحصیل و حضور خود در غرب و در ارتباط با اندیشمندان مسلمان یا غیر مسلمان دارید بفرمایید.

دکتر علی مصباح: بله، واقعا این جای تعجب و تأسف دارد که در مجامع غربی - حتی در مجامع تخصصی اسلام‌شناسی که در غرب وجود دارد - حضور افکار بلند اهل بیت (ع) بسیار کم رنگ است؛ حتی در مراکزی که به اسم شیعه تأسیس شده یا در آنجا

قرار است که شیعه حضور پر رنگی داشته باشد، آنچه که از شیعه می‌شناسند، عمدتاً شیعه اسماعیلیه است که از تعالیم اهل بیت (ع) بسیار دور است. به پشتوانه پول‌های باد آورده‌ای که در آنجا خرج می‌کنند، افکار خودشان را به اسم شیعه جا می‌زنند و طبیعی است که چنین افکاری جاذبه زیادی هم نداشته باشد و این آنجایی است که شیعه حضور دارد. در حالی که در اکثر مراکز، اصلاً اسمی از شیعه نیست و آنچه که از اسلام می‌دانند، مربوط می‌شود به منابع اهل تسنن و محققین هم عمدتاً اطلاعاتشان از آن قسمت است. این در مراکز علمی است.

در فرهنگ عمومی مردم که تقریباً می‌شود گفت چیزی در حد صفر و بی‌اطلاعی محض از شیعه و ایران وجود دارد، استاد ما که استاد فلسفه دین بود و شاید چهل پنجاه سال در دانشگاه‌ها با افراد مختلف از مذاهب و فرهنگ‌های مختلف سروکار داشت، از من می‌پرسید که ایران همان لیبی نیست؟! یا یکی دیگر از اساتید، پرسیده بود آیا در هیچ جای ایران حتی یک درخت هم پیدا نمی‌شود؟ تبلیغات سیاسی و فرهنگی روی عامه مردم بسیار زیاد است. ما پنج شش سالی در کانادا بودیم. من معمولاً اخبار را پیگیری می‌کردم. در طول این مدت شاید دو سه بار بیشتر خبر از ایران وجود نداشت. آن هم زلزله شده بود گفتند در گوشه‌ای از ایران زلزله آمده است. در عین حال وقتی فرصت‌هایی پیش می‌آید که می‌شود نکته‌ای در مورد اسلام بیان کرد، همه با وجد و با تعجب و با اشتیاق گوش می‌کنند، سؤال می‌کنند و علاقه‌مند می‌شوند. در یکی از کلاس‌هایی که ما داشتیم، مسئله‌ای در مورد بحث حقوق زن و بحث فمینیسم مطرح شد. من چند کلمه‌ای در مورد اینکه در اسلام وضعیت و حقوق زن چگونه است و چه اختیارات و تکالیفی دارد، فقط اشاره کردم. آنها همه تعجب کرده بودند که ما تا به حال نشنیده بودیم. خیلی برای



یکی از شاخص‌هایی که ما می‌توانیم دشمنان را بهتر بشناسیم و از آن طریق دوستان را هم بهتر بشناسیم، همین است که حضرت امام فرمودند اگر دیدید دشمنان برای شما آفرین می‌گویند و کف می‌زنند، بفهمید که یک جایی اشتباه کردید و اگر دشمنی دشمنان افزوده شد، بدانید که راه درستی را انتخاب کردید.

و ... که علیه انقلاب به راه انداختند؛ از ترور شخصیتی حضرت امام و وارونه جلوه دادن آموزه‌های امام و انقلاب هم چیزی کم نگذاشتند. امروز هم هر جا احساس کنند که آن آموزه‌های ناب دارد ادامه پیدا می‌کند و به آن وسیله ممکن است منتشر بشود، با آن بیشتر از همه دشمنی خواهند کرد و امروز احساس می‌کنند که این تفکر در افکار حضرت آیت‌الله مصباح متجلی است. در کنار آن افکار کسانی وجود دارد که خودشان را به انقلاب و امام منتسب می‌کنند و در عین حال دچار انحرافات و زاویه‌هایی هستند که آن زاویه‌ها به نفع دشمنان و غرب است. احساس می‌شود که این خط فکری، خط فکری وفادارتری به خط امام است و از این ناحیه بیشتر احساس خطر می‌کنند؛ لذا طبیعی است که آنها دشمنی نکنند. یکی از شاخص‌هایی که ما می‌توانیم دشمنان را بهتر بشناسیم و از آن طریق دوستان را هم بهتر بشناسیم، همین است که حضرت امام فرمودند اگر دیدید دشمنان برای شما آفرین می‌گویند و کف می‌زنند، بفهمید که یک جایی اشتباه کردید و اگر دشمنی دشمنان افزوده شد، بدانید که راه درستی را انتخاب کردید؛ لذا آنجایی که دشمن بیشتر به تخریب روی می‌آورد، ما باید احساس کنیم که گویا اینجا افکار ناب‌تری وجود دارد که دشمن بیشتر روی آن حساسیت نشان می‌دهد.

فرهنگ پویا رهبر معظم انقلاب در مورد بیداری اسلامی فرمودند بحران‌هایی که انقلاب اسلامی با آن مواجه بود، در کشورهای اسلامی هم به وجود خواهد آمد. از جمله بحران‌ها در ایران، خط نفوذ و جریان التقاطی بود. علامه مصباح از ابتدا با این جریان التقاطی در مبارزه بود تا الان که بحث مکتب

آنها جالب بود که اسلام به عنوان یک دین که در تصور آنها قرار است بیشترین ظلم را به زن‌ها بکند و زن‌ها کمترین جایگاه را داشته باشند، اینقدر نسبت به زن‌ها و حقوق زن‌ها توجه کرده باشد. واقعاً ما در این زمینه‌ها کم سرمایه‌گذاری و تلاش کرده‌ایم. البته بخشی از اینها هم ناشی از سیاست‌های دولت‌مردان و سیاستمداران غربی است که نمی‌خواهند این گونه کارها انجام بشود و تلاش‌ها را با موانع مواجه می‌کنند، ولی ما هم باید تلاش کنیم و زمینه‌هایی را که وجود دارد شناسایی کنیم و در معرفی مکتب اهل بیت (ع) بیش از اینها باید تلاش کنیم.

فرهنگ پویا اتفاقی که از یکسال گذشته همزمان با بیداری اسلامی افتاده، این است که به موازات ترور دانشمندان هسته‌ای و تبلیغات علیه سپاه قدس، ما شاهد ترور شخصیتی شاگردان علامه مصباح هم هستیم. مشکل دشمنان با این‌ها چیست؟

دکتر علی مصباح: مشکل آنها با اسلام ناب است. اگر مراجعه‌ای داشته باشیم به سی سال قبل و زمانی که انقلاب تازه پیروز شده بود و حضرت امام (ره) حضور داشتند و بر خاطرات آن زمان مروری بکنیم، می‌بینیم که امام در سطح رسانه‌های دنیا چطور مورد حمله قرار می‌گرفت. دلیلش این بود که اسلامی را که ایشان معرفی می‌کرد، اسلام ناب بود و برای فطرت‌های پاک جاذبه داشت. سیاستمداران جهان می‌دانستند که اگر این اسلام پا بگیرد و این پیام به مردم برسد، جای خودش را باز خواهد کرد و اگر این فکر جای خودش را باز کند، جا برای آنها باقی نمی‌ماند؛ لذا با تمام توان به میدان آمدند و در کنار همه اقدامات نظامی و اقتصادی



دشمنان هر جا احساس کنند که آن آموزه‌های ناب دارد ادامه پیدا می‌کند و به آن وسیله ممکن است منتشر بشود، با آن بیشتر از همه دشمنی خواهند کرد و امروز احساس می‌کنند که این تفکر در افکار حضرت آیت‌الله مصباح متجلی است.

با افراد، یکی از مؤثرترین ابزارهایی است که در غیبت آن ابزارهای رسانه‌ای می‌تواند خیلی مؤثر باشد؛ در اینکه اولاً آنها آشنا بشوند با یک چهره‌ای از اسلام و از انقلاب اسلامی و به ویژه از مکتب تشیع و آن جامعیت حضرت آیت‌الله مصباح و تفکر ناب ایشان و آن نظام فکری که ایشان از اسلام ارائه می‌دهند که همه ابعاد اسلام را با هم و در ارتباط با هم معرفی می‌کند، خیلی مؤثر هست در اینکه افراد به حقیقت اسلام آشنا بشوند و آن جاذبه‌ی واقعی اسلام را درک بکنند.

یک استاد فلسفه در اتریش است به نام آقای کرسٹین کنزیان. ایشان کتاب آموزش فلسفه استاد مصباح را که به زبان انگلیسی ترجمه شده بود، به عنوان متن درسی در دوره دکتری انتخاب کرده بود و تدریس می‌کرد. شنیدم ایشان یکی دو بار فقط برای حل سؤالات فلسفی که در مطالعه کتاب به آن برخورد کرده بود، به ایران آمده است. انگیزه می‌خواهد که یک نفر این سفر طولانی را با این هزینه‌ها متحمل بشود برای اینکه سؤالات فلسفی‌اش را از حضرت آیت‌الله مصباح سؤال بکند و حتی یکسری کنفرانس‌های مشترک با مؤسسه در ایران و در اتریش گذاشتند که خیلی در معرفی و آشنایی آنها با نظام فکری و نظام فلسفی اسلامی خیلی مؤثر بود.

فرهنگ پویا حداقل فایده‌اش این است که با حضور در ایران، این کشور را بهتر می‌شناسند.

دکتر علی مصباح: بله، خیلی از افرادی که به ایران آمده بودند یا ما با آنها ارتباط داشتیم، می‌گفتند قبل از اینکه بیایند ایران، خیلی‌ها ما را بر حذر می‌داشتند و می‌گفتند آنجا جان شما در خطر است، در خیابان باید حتماً یک اسکورت داشته باشید و گرنه جان و مالتان

ایرانی مطرح است. آیا الان مؤسسه در راستای روشنگری جهان اسلام هم تمهیداتی اندیشیده است و آثار علامه به زبان‌های مختلف ترجمه شده است؟

دکتر علی مصباح: یک روند تقریباً طبیعی وجود داشته که بعضی که به افکار تشیع و فکر انقلاب اسلامی علاقه‌مند بودند، به طور داوطلب بعضی از آثار را ترجمه کرده‌اند. آن‌ها آثار حضرت امام، آثار شهید مطهری و از جمله آثار آیت‌الله مصباح را هم ترجمه و منتشر کرده‌اند، اما نکته قابل توجه این است که انحرافات و مسائل فکری همه جا به یک سبک نیست؛ چه بسا در کشورهای دیگر مشکلات فکری و انحرافات جدیدی پیش بیاید که نیاز به کار جدید و پاسخ‌های جدید داشته باشد؛ لذا تربیت کسانی که در فکر اسلامی فکر استوار و صحیحی داشته باشند، کسانی که خودشان بتوانند تولیدکننده باشند و بتوانند مسائل جدید را تحلیل کنند، مشکلات را پیدا کنند و راه حل‌هایش را بر اساس آموزه‌های اسلامی ارائه کنند، این کار اساسی تری است.

فرهنگ پویا حضور علامه مصباح در کشورهای مختلف و ملاقات با اندیشمندان، تا چه اندازه باعث انگیزه اندیشمندان اسلامی و غیر اسلامی در ارتباط با ایران و مؤسسه شده است؟

دکتر علی مصباح: متأسفانه من در این‌گونه ملاقات‌ها، کمتر حضور داشتم، ولی به طور کلی شناخت حضوری از افراد خیلی مؤثر است؛ به ویژه آن‌که ما در سطح جهان، هم رسانه نداریم و هم ابزارهای تبلیغاتی ما به شدت محدود است و در معرفی افکار و افرادمان خیلی کم کار و دست خالی هستیم، ولی این حضور شخصی افراد در مجامع علمی خارج از کشور و برخورد رو در رو



ما باید برای همه سطوح برنامه داشته باشیم. فقط به نخبگان پرداختن کافی نیست. فقط هم برنامه ریزی برای عموم مردم نمی‌تواند کارساز باشد. آن فکری موفق است که بتواند خودش را در تمام سطوح جامعه هدف نشان بدهد و همه اقشار مردم را تغذیه بکند.

انحرافات و مسائل فکری همه جا به یک سبک نیست؛ چه بسا در کشورهای دیگر مشکلات فکری و انحرافات جدیدی پیش بیاید که نیاز به کار جدید و پاسخ‌های جدید داشته باشد.

در خطر است، اما وقتی آمده بودند، گفتند ما ۱۸۰ درجه بر خلاف آن را می‌بینیم که حتی در کشور خودمان شب‌ها جرئت نمی‌کنیم تنها بیرون از خانه برویم، ولی اینجا می‌بینیم که تا نصف شب مردم در خیابان‌ها مشغول پیک‌نیک هستند..... این رفت و آمدها اثر کلی خودش را دارد، اما از نظر فکری و از نظر آشنایی با فکر انقلاب و اسلام و اهل بیت (ع) برای افرادی که در این زمینه‌ها علاقه‌مند هستند، بدون شک یک دریچه‌ای است به سوی نور و به سوی آن حقیقتی که چه بسا در جاهای دیگر دنبالش می‌گردند و چون مشوب به انحرافات و خرافات و اینها هست، کمتر می‌توانند آن را پیدا بکنند.

فرهنگ پویا در خاتمه اگر نکته‌ای دارید بفرمایید.

دکتر علی مصباح: معمولاً هر ایده و عملی با مشکلات و نواقصی مواجه است، اما آنچه که از ما برمی‌آید و انتظار می‌رود، این است که در حد توان، کار خودمان را انجام بدهیم و تلاش خودمان را بکنیم و در ضمن توجه داشته باشیم که در عمل هم این موانع وجود دارد، لذا وقتی آرمان‌هایمان در عمل تحقق پیدا نکرد، سرخورده نمی‌شویم. وظایف ما این است که تا آنجایی که می‌توانیم در حفظ آن خلوص فکری اسلام تلاش بکنیم و مواظب باشیم که خودمان ناخودآگاه مبتلا نشویم به همان انحرافات که از آن فرار می‌کنیم؛ چون این انحرافات خیلی مخفی و آهسته آهسته پدید می‌آید و خدایی ناکرده ممکن است یک موقعی خود ما هم دچار همین انحرافات بشویم، بدون اینکه خودمان متوجه باشیم. حفاظت از این ناب بودن و خلوص فکری، اولین وظیفه ماست.

نکته دوم اینکه سعی کنیم نیازهای روز فکری مخاطبان خودمان را درست تشخیص بدهیم. این نیازها همیشه به یک منوال نیست و همیشه هم در یک سطح نیست. ما باید برای همه سطوح برنامه

داشته باشیم. فقط به نخبگان پرداختن کافی نیست. فقط هم برنامه‌ریزی برای عموم مردم نمی‌تواند کارساز باشد. آن فکری موفق است که بتواند خودش را در تمام سطوح جامعه هدف نشان بدهد و همه اقشار مردم را تغذیه بکند. هر قشر و طبقه‌ای در حد خود کارایی دارند و می‌توانند مؤثر باشند. غیر از اینکه ما نیازهای آنها را باید بشناسیم، باید فرهنگ آن افراد و به تعبیری زبان مفاهیم با آنها را هم بدانیم. صرفاً ترجمه به زبان‌های دیگر آثاری که ما خودمان داریم، کافی نیست. چه بسا بعضی از این مواد و بعضی از این مطالب مورد نیاز آنها نباشد و در ثانی ممکن است که ترجمه لفظی این آثار برای آن فرهنگ گویا نباشد و نتواند آن مطلب را همان طوری که مد نظر هست منتقل بکند؛ لذا اگر ترجمه هم صورت بگیرد، باید ترجمه‌ای باشد که به زبان آن فرهنگ باشد و با آن فرهنگ همخوانی داشته باشد.